

چشم‌انداز صفر؛ سرمایه‌گذاری برای زندگی

مشارکت کارگران و حمایت‌های دولتی، دو بال اصلی موفقیت در کاستن از مرگ و مصدومیت شغلی است

یادداشت
O P I N I O N



مرضیه کرمی

معلول و فعال صنفی معلولان

حقوق معلولان رانادیده نگیریم

مطالبات جامعه معلولان در سال‌های اخیر آن گونه که انتظار می‌رود برآورده نشده است. در حالی که این قشر ۱۳ هزار نفری بارها با ریزنی و کنشگری تلاش کرده‌اند حقوق قانونی خود را مطالبه کنند و اجرای قانون حمایت از معلولان را پیگیری نمایند، شواهد نشان می‌دهد که فاصله قابل توجهی میان قانون و عمل وجود دارد. بیش از شش سال از تصویب قانونی می‌گذرد که هدف آن ارتقای سطح زندگی معلولان و رفع دغدغه‌های معیشتی آنان بوده، اما بسیاری از افراد دارای معلولیت شدید یا بسیار شدید به بهانه کمبود بودجه از مزایای مندرج در قانون محروم مانده‌اند و تنها مبالغی ناکافی دریافت کرده‌اند که بسیار کمتر از حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار است. این وضعیت، در کنار محدودیت‌های اشتغال، معلولان را در چرخه محرومیت و آسیب‌های اجتماعی قرار داده است. اشتغال افراد دارای معلولیت یکی از مهم‌ترین چالش‌هاست. آمارها نشان می‌دهد بیش از نیمی از معلولان در سال ۱۴۰۱ بیکار بوده‌اند. قانون حمایت از معلولان، سازمان‌های دولتی و خصوصی را موظف به اختصاص سه درصد سهمیه استخدام به این افراد کرده، اما در عمل اجرای این ماده به دلیل خلأهای قانونی و اقتصادی با ناکامی روبه‌رو شده است. برنامه هفتم توسعه نیز با وجود اشاره ضمنی به اشتغال معلولان به کارفرمایان اجازه داده که افراد دارای معلولیت را با حقوق کمتر از حداقل دستمزد مصوب استخدام کنند. ماده ۱۶ این قانون، که هدف آن توانمندسازی افراد تحت پوشش کمیته امداد، سازمان بهزیستی و زندان‌هاست، عملاً زمینه کاهش حقوق و مزایای معلولان در بخش خصوصی را فراهم کرده و با روح قانون حمایت از معلولان در تضاد است.

یکی دیگر از مشکلات اساسی، حذف ردیف بودجه مربوط به قانون حمایت از معلولان در بودجه سنواتی است. این اقدام، همراه با محدود شدن حمایت‌ها و تأکید بر مشروط و زمان‌دار شدن آن‌ها، باعث شده بسیاری از نیازمندان و افراد دارای معلولیت بدون پشتوانه و حمایت مالی باقی بمانند. تبصره‌های ماده ۱۹۹ برنامه هفتم، دستگاه‌های حمایتی را موظف به آزمون وسع و حذف خدمات برای کسانی کرده که پس از توانمندسازی درآمد کافی دارند، اقدامی که موجب نگرانی و نارضایتی جامعه معلولان شده است. این محدودیت‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های حمایتی موجود به جای تقویت و تضمین حقوق معلولان، بیشتر بر کنترل منابع و شرط‌گذاری حمایت‌ها متمرکز شده‌اند. معلولان خواهان توجه ویژه دولت و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هستند تا نیازهای این قشر آسیب‌پذیر در اولویت قرار گیرد. بسیاری بدون حمایت قانونی زندگی می‌کنند و دسترسی به حداقل حقوق و خدمات معیشتی برایشان دشوار است. مطالبه حقوق برابر نه تنها حق قانونی آنان، بلکه شاخص تعهد دولت به عدالت اجتماعی است. بازنگری در برنامه‌ها، اصلاح قوانین و تخصیص بودجه کافی می‌تواند مسیر عدالت را هموار و معلولان را از چرخه محرومیت طولانی خارج کند.



نوشین مقدم‌بنا

روزنامه نگار

▲ حوادث شغلی نیازمند احتیاط خود کارگران نیز هست

حوادث کار در ایران هر روزه صحنه‌های تلخی می‌آفریند؛ صحنه‌هایی که حاصل قهر طبیعت، که نتیجه‌ی توجهی به ابتدایی‌ترین اصول ایمنی است. کارگران، ستون‌های بی‌ادعای اقتصاد کشور، در محیط‌هایی جان می‌سپارند که می‌توانست مأمن تلاش و روزی‌شان باشد. سقوط یک ستون سوله، ریزش آوار در معدن، انباشت گاز متان یا افتادن جسمی سخت بر سر یک کارگر، سرنوشت خانواده‌ای را دگرگون می‌سازد. روایت این فجایع، یادآور حقیقتی روشن است: مرگ و جراحت کارگران نه تقدیر محتوم که رخدادی قابل پیشگیری است؛ رخدادی که تنها در سایه صیانت واقعی از جان انسان پایان می‌یابد.

نگاهی به چند حادثه ساده، اما مرگبار

حوادث کار، اگرچه در ظاهر ساده و پیش پا افتاده می‌نمایند، اما هر بار که رخ می‌دهند، جان‌هایی را می‌ستانند و خانواده‌هایی را داغدار می‌سازند. کافی است نگاهی گذرا به اخبار روزهای اخیر ببیند؛ نیم‌تابی‌نیم چگونگی بی‌اعتنایی به ابتدایی‌ترین اصول ایمنی، حادثاتی خونبار را رقم زده است.

دوم مهرماه، در روستای کهمره سرخی شیراز، ستون ناپایدار سوله‌ای نیمه کاره ناگهان فرو ریخت و چهار کارگر نگون بخت را در کاتکس نگهداری زیر آوار مدفون ساخت. دقایقی بعد، امدادگران توانستند اجساد دوتن را بیرون کنند و دوتن دیگر را نیمه‌جان راهی بیمارستان کنند. سرنوشت این مردان زحمت‌کش، تنها به دلیل سقوط ستونی سست، در یک لحظه دگرگون شد. همان روز در برازجان دشتستان، کارگری ساختمانی بر اثر سقوط به چاهک آسانسور، جان خویش را از کف داد. نه طوفانی سهمگین در کار بود و نه حادثه‌ای مهیب؛ تنها بی‌توجهی به بندهای ساده ایمنی، او را فراز بنا به فرودگاهی بی‌بارگشت افکند.

شدت صدمات به اندازه‌ای بود که حتی پیش از رسیدن نیروهای امداد، زندگی‌اش به پایان رسید. باز در همان دوم مهر نیز در روستای کشکمر عبیرآباد کرمان، سه کارگر چاه‌کن با سرنوشتی تلخ روبه‌رو شدند. نخستین کارگر، تبعه‌ای افغان، به عمق شصت‌متری چاه کشاورزی رفت و در هوای آمیخته به گازهای سمی بیهوش شد.

دو بار دیگرش، بی‌درنگ و بی‌انیت یاری، به درون چاه شتافتند؛ اما گاز مرگبار نفس‌های آنان را نیز برید و سه پیکر بی‌جان از اعماق زمین بیرون آورده شد. اندکی پیش‌تر، در ۲۱ شهریور، کارگری میانسال در یک دامداری در بوئین‌زهر گرفتار برق گرفتگی شد. مردی ۴۵ ساله که شاید لحظه‌ای پیش هنوز به فکر خانواده‌اش بود، در چشم‌برهم‌زدنی خاموش شد و حتی فرصت رسیدن به درمان نیافت. دو روز قبل از آن، ۲۹ شهریور، خبر دیگری از مریوان رسید؛ جایی که ایوب قادری، پدري کارگر و متاهل از روستای بیوله، در حین کار ساختمانی، قربانی سقوط جسمی سنگین شد و جانش را از دست داد. با مرگ او، دو کودک بی‌پناه شدند و خانواده‌ای در سوگ نشست.

این‌ها تنها مشتی از خروارند؛ روایت‌هایی از مرگ‌هایی ناگهانی که در بازه‌ای کمتر از یک هفته به وقوع پیوستند. از ۲۹ شهریور تا دوم مهر، تنها در پنج روز، پانزده کارگر در جای‌جای این سرزمین جان باختند و دست کم همین تعداد نیز با جراحاتی گاه عمیق و گاه سطحی روانه بیمارستان شدند. در پس این اعداد و اخبار، حقیقتی عریان نهفته است: مرگ کارگران نه سرنوشت محتوم که حاصل بی‌توجهی است. همه این رخدادها، بی‌هیچ استثنا، با اندکی دقت، نظارت و رعایت قواعد ایمنی قابل پیشگیری بودند. اگر ستون‌ها با دقت استوار می‌شدند، اگر چاه‌ها با تجهیزات ایمن همراه بودند، اگر کارگران از کمترین امکانات حفاظتی

محروم نبودند، اگر کارگران از کمترین امکانات حفاظتی

تجربه‌های جهانی در مسیر «چشم‌انداز صفر»

با اتحادیه جهانی تأمین اجتماعی، مجموعه‌ای از راهبردهای پیشگیرانه را به اجرا گذاشت. هدف اصلی آنان ریشه‌کشی بیماری‌ها و حوادث ناشی از کار بود و نتایج نیز حاکی از کاهش محسوس خطرات شغلی در صنایع مختلف است. این نمونه‌ها حقیقتی را عیان می‌سازند: پیشگیری همواره مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر از درمان است. در حادثاتی مانند انفجار معدن طبس که جان ۵۳ کارگر را گرفت، هیچ راهی برای جبران وجود نداشت. اگر تجهیزات ایمنی به‌روز، سیستم مانیتورینگ مرکزی و گازسنج‌های اتوماتیک در دسترس بودند، اگر کارگران آموزش می‌دیدند و حق امتناع از کار در شرایط خطرناک را داشتند، آن فاجعه هرگز رخ نمی‌داد. علی‌مقدسی‌زاده، فعال صنفی باسابقه، تأکید می‌کند که بیش از ۹۵ درصد حوادث مرگبار شغلی قابل پیشگیری‌اند؛ به شرط آنکه برنامه‌های اجرایی واقعی تدوین شود و دغدغه‌مندان و کارگران باتجربه در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت داده شوند. او هشدار می‌دهد: «از پشت میز ریاست و زیر کولر نمی‌توان واقعیت معادن و کارگاه‌ها را فهمید». بدین‌سان، تجربه جهانی و واقعیت داخلی بر یک اصل مشترک گواهی می‌دهند: تنها با مشارکت، سرمایه‌گذاری و اجرای جدی سیاست‌های پیشگیرانه است که «چشم‌انداز صفر» از یک آرمان دور دست به واقعیتی ملموس بدل خواهد شد.

بوی گاز گرفته است، اما «حق امتناع از کار» نداشتند؛ ترس از اخراج و بیکاری، آنان را وا داشت تا در دل خطر فروروند و دقایقی بعد، انفجاری مهیب، زندگی‌شان را در هم کوبید. این روایت‌ها، آینه‌ای روشن است از حقیقتی ناگزیر: جان کارگر در این دیار به بهایی ناچیز فروخته می‌شود، حال آنکه باندکی سرمایه‌گذاری، نظارت و احترام به حقوق بنیادین انسانی، می‌توانستیم این مرگ‌های تراژیک را به سادگی پیشگیری کنیم.

شرایط موفقیت پویش چشم‌انداز صفر

«پویش چشم‌انداز صفر» با هدف کاستن از مرگ و مصدومیت کارگران آغاز شده است، اما به گفته مقدسی‌زاده این پویش تنها زمانی به ثمر می‌رسد که الزامات بنیادین آن فراهم شود. او تأکید می‌کند که کشور مانده کمبود قانون دارد و نه خلأ آیین‌نامه؛ مشکل در اجرا و سرمایه‌گذاری است.

به روایت او، نخستین و حیاتی‌ترین شرط، تأمین تجهیزات ایمنی و مکاتبه کردن کارگاه‌هاست. در حال حاضر، ۹۵ درصد معادن ذغال سنگ کشور سنتی اداره می‌شوند و سنجش گاز به‌طور دستی انجام می‌گیرد؛ بی‌هیچ سیستم مانیتورینگ مرکزی و ابزار هشدار دهنده‌ای که جان کارگران را نجات دهد. این کاستی‌ها هزینه‌سازند، اما هزینه‌نکردن برای ایمنی، جان انسان را می‌ستاند. رئیس کانون شوراهای اسلامی کار خراسان جنوبی می‌گوید در شرایط تحریم و افزایش قیمت ارز، این وظیفه دولت است که پیش‌قدم شود. تجهیزات مدرن را وارد کند و کارگاه‌ها را به ابزار استاندارد مجهز سازد.

دومین رکن، بازرسی سخت‌گیرانه و مداوم است؛ باز رسان وزارت کار باید بدون مصلحت‌اندیشی، کارفرمایان را به رعایت دقیق اصول ایمنی وادار کنند، به‌ویژه در بخش ساختمان که بیشترین حوادث مرگبار در آن رخ می‌دهد. اما همه چیز به تجهیزات و بازرسی خلاصه نمی‌شود. مقدسی‌زاده بر این باور است که کارگران باید امنیت شغلی و تشکل صنفی داشته باشند تا بتوانند در شرایط پرخطر، «حق امتناع از کار» را اعمال کنند؛ حقی که آنان را از انتخاب مرگبار میان بیکاری یا کار در محیط ناایمن می‌رهاند.

او هشدار می‌دهد: «اگر این پیش‌نیازها جدی گرفته نشود، «پویش چشم‌انداز صفر» به شعاری زیبا محدود خواهد ماند و هرگز به اصلاحات ساختاری و کاهش واقعی حوادث مرگبار منجر نخواهد شد.»

چشم‌انداز صفر چیست؟

«پویش چشم‌انداز صفر» عنوان ابتکاری است که از شانزدهم شهریورماه امسال به همت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و با پشتیبانی سازمان تأمین اجتماعی آغاز شد؛ پویشی اجتماعی و رسانه‌ای با آرمانی بلند: کاستن از شمار حوادث و بیماری‌های شغلی تا رسیدن به نقطه صفر. این حرکت ملی بر پایه شعاری استوار است که سازمان جهانی کار نیز بر آن تأکید دارد: «به سوسی جهانی بدون بیماری‌ها و حوادث ناشی از کار». حتی برای جلب توجه عمومی، هشتگ‌هایی چون «این بار صفر بگیرد» در دستور کار قرار گرفته تا این دغدغه حیاتی در ذهن جامعه ماندگار شود.

حسین مشیری تبریزی، مدیرکل امور بین‌الملل سازمان تأمین اجتماعی، در دومین نشست معرفی این پویش یادآور شد که تنها در سال گذشته، بیش از هفتصد کارگر در کشور بر اثر حوادث کار جان باخته‌اند؛ آماري تلخ که معنایش، مرگ دو انسان در هر روز کار است.

او تأکید کرد که در سراسر جهان، کاهش این حوادث و رساندن نرخ مرگ ناشی از کار به صفر، هدفی جدی و مشترک است و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی نیز همین مسیر را پی می‌گیرد.

به گفته او، نخستین گام آن است که حوادث کار به حساب «بدشانسی» گذاشته نشوند؛ زیرا تقریباً همه این رخدادها پیش‌بینی‌پذیر و در نتیجه قابل پیشگیری‌اند.

نجات حتی یک کارگر از مرگ، به معنای حفظ یک خانواده و پاسداشت حیات انسانی است؛ از این رو باید اراده‌ای جدی و پایدار برای اجرای اقدامات پیشگیرانه در همه سطوح شکل گیرد.

جوهره اصلی این پویش بر حقیقتی روشن بنا شده است: حوادث ناشی از کار در اغلب موارد نه سرنوشت محتوم که حاصل بی‌توجهی به اصول ایمنی‌اند. مرور حوادث خونبار در فاصله‌ای کوتاه، می‌تواند به حد در صد آن‌ها با رعایت حداقل ضوابط ایمنی قابل اجتناب بوده‌اند. اگر کارگاه‌ها به آیین‌نامه‌ها پایبند باشند و نظارت‌ها جدی گرفته شود، می‌توان به روزی اندیشید که دیگر هیچ کارگری قربانی غفلت نشود و «چشم‌انداز صفر» از شعاری آرمانی به واقعیتی جاری بدل گردد.